

هزار بهانه برای شادی

نویسنده : عباس خادم الحسینی



درختان حیاط بود جمع آوری کرده بودیم و می خواستیم تا آنها را در لگن فلزی کهنه و پوسیده ای که همیشه گوشه حیاط افتاده و خاک می خورد بریزیم و آتش بریزیم. در همین حین بود که من تصمیم گرفتم پدرم را هم برای مراسم آتش بازی با خودمان همراه کنم. بنابراین به داخل خانه رفتم و پدرم را با حالتی ناراحت و گرفته مشغول تماشای اخبار دیدم. از او درخواست کردم تا برای آتش بازی به حیاط بیاید و به جمع ما بپیوندد اما پدر که ظاهرآ حال و حوصله نداشت نپذیرفت. آنقدر اصرار کردم تا بالاخره راضی شد بیاید.

اولش کناری ایستاده بودو با بی میلی نگاه می کرد. من و بچه ها از او خواستیم تا زوری آتش برید. وقتی پرید همه تشویقش کردیم چرا که تا ارتفاع نسبتاً بالایی پریده بود که از سن و سال او بعید بود. پدر چند برش دیگر هم انجام دادو حسابی مورد تحسین و تشویق ما قرار گرفت. کم کم روحیه ی پدر عوض شد. باور کنید پدر مثل پسر بچه ی شادو پر جنب و جوشی شده بود که می خواست به هر تر تیبی شده جلب توجه کند و هنرهای خودش را به نمایش بگذارد. بعد از هر برش ادعا می کرد که این چیزی نیست، از این بالاتر و سریع تر هم می تواند بیرد، و دوباره توی صف قرار می گرفت تا ادعایش را ثابت کند . خلاصه آن شب، حسابی به ما خوش گذشت. همه از این که پدر شادو و سرحال بودو یا ما بازی می کردوخوشحال بودیم. بعد از تمام شدن آتش بازی رو به خواران و برادرانم کردم و گفتم: دیدید یک لگن کهنه فلزی و پوسیده و چند شاخه ی خشک و به درد نخور، چطور توانست روحیه ی همه ی ما را عوض کند !

دوستان و خوانندگان عزیزم، شب آخرین چهارشنبه ی سال هیچ تفاوت خاصی با شب های دیگر ندارد بلکه فقط بهانه ای ست برای دور هم جمع شدن و شادی کردن. لحظه ی تحویل سال نیز تفاوت چندانی با بقیه ی لحظات و یاروزهای سال ندارد. اگر سبقره هفت سین یهن می کنیم، میوه و شیرینی می خوریم، ربووسی می کنیم و به یکدیگر تبریک می گویم، فقط به این دلیل است که شادباشیم. همه ی این ها بهانه های خوبی هستند برای شادبودن. خدا را شکر در فرهنگ ما ایرانی ها از این بهانه ها کم نیستند. بیایید از این بهانه های زیاد و دوست داشتنی نهایت استفاده را ببریم. با توجه به شناختی که از روحیات و سلیق خود دارید، ببینید با انجام چه کارهایی می توانید احساس شادی و نشاط را در خود به وجود بیاورید. هر راه سالمی که به ذهن تان می رسد را امتحان کنید. اصلاً چراغ راهی که تا به حال نرفته اید و برای تان تاگی دارند را تجربه نمی کنید؟

یک موسیقی شاد گوش کنید، جست و خیز کنید، کسانی که دوستشان دارید را دور هم جمع کنید، بازی کنید، آواز بخوانید، یک فیلم کمدی ببینید، به ورزش یا سرگرمی مورد علاقه تان بپردازید، با خانواده و یا دوستان خود به یک نوبت بروید، با اطرافیان شوخی و بذله گویی کنید و هر چیز کوچکی را بهانه ای برای شادبودن بدانید. دوباره تکرار می کنم که شادی یک انتخاب است یعنی شما انتخاب می کنید که علیرغم مسائلی که احتمالاً دارید شادباشید یا نباشید. این را بدانید که اگر شادی را انتخاب نکنید مجبورید مریزان غم هارنج ها و دردهایی باشید که به استقبال شما خواهند آمد. پس منتظر نباشید که شادی ها به سراغ شما بیایند شما به سراغ آنها بروید.

لطفاً با دقت به تبتیری که در بالا نوشته شده است نگاه کنید: هزار بهانه برای شادی. بگذارید اعتراف کنم که همیشه از تدریس این موضوع در سمینارهایم لذت خاص و فوق العاده ای می برم و واقعاً که این مبحث جقدر جالب و تأمل برانگیز است. شاید باورناتشود اما هم اکنون که مشغول خواندن این مطالب هستید هزار بهانه برای شادبودن دارید. البته ممکن است یکی دو بهانه هم برای شادنبودن داشته باشید اما آتقدرها مهم نیست. مهم این است که تعداد بهانه هایی که برای شادبودن دارید چندین برابر بهانه هایی است که برای توجیه شادنبودن خود ردیف کرده اید.

آیا ه اکنون که دارید این کتاب را می خوانید کشور شما گرفتار یک جنگ جهانی بزرگ و جامعه بار است؟
آیا ماهسنه یا چشایی یا بویایی شما معیوب است؟
آیا یک معلول جسمی و یا ذهنی هستید؟
آیا یک بچه ی سر راهی هستید و نام و نشانی از پدر و مادر خود ندارید؟
آیا دچار ناشنوایی هستید؟
آیا دچار نابینایی هستید؟
آیا حس لامسه یا چشایی یا بویایی شما معیوب است؟

آیا ناراحتی قلبی، امان شما را بریده است؟
آیا خودتان یا همسر تان دچار نازایی هستید و بچه دار نمی شوید؟
آیا تارهای صوتی شما مشکل دارند و نمی توانید حرف بزنید؟
آیا پنا به هر دلیلی خانواده و بستگان، شما را طرد کرده اند؟
آیا شدیداً فقیر هستید تا جایی که فکر می کنید هیچ کس فقیر تر از شما نیست؟
هر پاسخ منفی شما به هر کدام از این سوالات و هزاران سوال مشابه دیگر، یک بهانه برای شادنبودن است. حال خودتان قضاوت کنید آیا واقعاً هزار بهانه برای شاد زیستن ندارید؟
منتظر نباشید تا واقعه ای رخ دهد و شادی را به زندگی شما بیاورد بلکه خودتان به عنوان یک انسان صاحب اندیشه و انتخاب، به صورت آگاهانه و ارادی، دست به کارهایی بزنید تا شادی را در شما و زندگی تان ایجاد کند. در نظر داشته باشید که برای شادبودن نیازی به دلایل محکم و منطقی پیچیده ای ندارید. شما می توانید هر چیزی را بهانه ای برای شادی به حساب آورید. حتی می توان بدون هیچ بهانه ای هم شاد بود و شادی کرد.

پیشنهاد می کنم در این مورد بخصوص از کودکان الگو برداری کنید چرا که آنها می توانند در این زمینه بهترین الگو برای ما بزرگسالان باشند.
به بچه ها نگاه کنید، آنها معمولاً از هر بهانه ای برای شادی کردن استفاده می کنند. سوال اینجاست که چرا وقتی بزرگ می شویم و ظاهرآ بر میزان عقل و درک مان افزوده می شویدان ویژگی مثبت را کنار می گذاریم و به جایش هر مورد کوچک و بزرگی را بهانه ای برای اندوه و دلگیری و افسردگی به حساب می آوریم و از یاد می بریم که هزار بهانه نیز برای شادایی و سرزندگی وجوددارد. فراموش می کنیم که می توان با کمترین هزینه و امکانات، موجبات شادی و نشاط را فراهم کردو زندگی لذت برد.

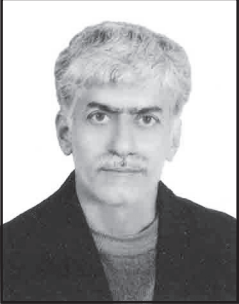
اجازه بدهید یک خاطره برای تان تعریف کنم تا بهتر متوجه منظورم شوید. چند سال پیش شب آخرین چهارشنبه ی سال بود می دانید که این شب معروف به شب چهارشنبه سوری است و ایرانیان طبق یک سنت قدیمی آتش بر پامی کنند و از روی آن می پرند. هر چند این رسم کهن، در این سال ها به بیراهه کشیده شده و بی احتیاطی، ترقه بازی و مردم آزاری همراه شده است اما در هر حال یک رسم باستانی است که من و خانواده ام آن را در حیاط منزل مان به جام آوریم. من و افراد خانواده مثل سال های گذشته چوب خشک که شاخه های اضافی

اندیشه

همسر خوب- همسر بد

محمد جعفر مبصری

تسمت دوم و پایان



همسران خوب ، همسرانی هستند که سعادت و خوشبختی شریک زندگی را با سعادت و خوشبختی خود عجین و یکی بدانند اما همسران بد سعادت و خوشبختی خود را با سعادت و خوشبختی شریک زندگی یکی نمی‌دانند بلکه جدا می‌دانند و شعارشان این است که هر کسی در قبر خود می‌خوابد. همسران خوب به یکدیگر وفادارند اما همسران بد نسبت به هم بی‌وفایند لذا همسران خوب شعارشان خدا یکی عشق یکی است اما شعار همسران بد این مثل معروف است که : «این نباشد، دیگری، دیگری، دیگری. یا لون می‌سازم بهتیری، می‌گذارم بر خـر رنگین تری»

همسران خوب دنیای بیرون از خانه برایشان دنیای دیگری است به همین جهت سعی می‌کنند ناراحتی‌ها و مشکلات بیرون از خانه‌را به داخل خانه منتقل نکنند اما همسران بد خانه برایشان حکم انباری هایشان دارد به همین علت وقتی زورشان به رئیس و همکار و مشتری و ارباب رجوع و ... نمی‌رسد عقده دلشان را در خانه تخلیه می‌کنند.

همسران خوب اهل سنت گذاردن نیستند گویی تـامین رفاه و آسایش خانواده را وظایف خود می‌دانند اما همسران بد هر کاری خوب را با منت گذاردن ضایع می‌کنند و لذت آن‌را بر کام شریک زندگی تلخ می‌کنند همسران خوب عذرخواهی و عذر پذیرند اما همرا به چنان مغرورند که حتی وقتی هم متوجه اشتباهاتشان می‌شوند یا اشتباهاتشان فاش و بر ملا می‌شود عذرخواهی نمی‌کنند.

همسران خوب یکدیگر احترام سلیقه‌های یکدیگر احترام می‌گذارند اما همسران بد اما همسران بد فقط نظر و سلیقه خود را خوب و قشنگ می‌دانند بنابراین برای نظر و سلیقه همسر خود ارزشی قابل نیستند به همین دلیل معمولاً سلیقه و نظر خود را بر شریک زندگی تحمیل می‌کنند زیرا اقتضاعات سن و جنس همسرشان را در ک نمی‌کنند.

همسران خوب متین و آرام و معقول هستند لذا کارهایشان را با متانت و تدبیر و سنجیده انجام می‌دهند اما همسران بد بلند پرواز و عجول هستند به همین دلیل برای رسیدن به هدفهایشان دچار شتابزدگی و تن دادن به کجی ها و تمایلات نفسانی می‌شوند اینان دوست دارند ره صد ساله را یک شبه ببینانند. مثلاً چون می‌خواهند زود صاحب خانه و اتومبیل و لوازم زندگی و غیره بشوند دست به گرانیفروشی، رشوه خواری، احتکار

، رانت خواری می‌زنند، اینگونه افراد در حرکت رودخانه زندگی در برخورد با سخره ها متلاشی و یا حداقل برای مدتی متوقف می‌شوند و دیگران را هم متوقف می‌کنند و یا از حرکتشان می‌کاهدند.

همسران خوب همسرانی هستند که خوبی هایشان بیش از بدی هایشان باشد و همسران بد همسرانی هستند که بدی هایشان افزون بر خوبی هایشان باشد. گناه یک حسن بقدری عالی و پسندیده است که به تنهایی می‌تواند صد عیب را بپوشاند و گناه یک عیب بقدری بزرگ است که به تنهایی می‌تواند صد حسن را از بین ببرد.

خلاصه همسران خوب همسرانی هستند که مردانش مردو زانش زن باشند و همسران بد همسرانی هستند که مردانش نامردو زانش نازن.

در پایان دوباره، آرزوی می‌کنم که ارائه این مقاله در بهبود روابط همسران مفید و موثر گردد. ان شاءالله

فقدان فرهنگ رانندگی یا وجود چاله های فرهنگی

مجت اله دهقان (کارشناس ارشد)

از یک ضعف شخصیتی، آن را کورکورانه می پذیرند و بعضاً نیز تمجید می‌کنند.
۲- بعضی افراد به عنوان راننده خودرو در اکثر مواقع بدون توجه به اینکه به غیر از خودشان افراد دیگری نیز به عنوان سرنشین در وسیله ی نقلیه حضور دارند در جهت ارضای لذت های حین رانندگی مثل سرعت غیرمطمئن، سبقت غیرمجاز، زود به مقصد رسیدن به منظور کسب درآمد بیشتر و امثالهم، خودخواهانه به رانندگی خوش می‌پردازند و در صورتی هم که آنها را از این اعمال خطرناک نهی کنند به جای پذیرفتن اشتباهات خودشان، دیگران را به تمسخر، با صفات ترسو و مانند اینها خطاب می‌کنند.

۳- بسیاری اشخاص طی عملی که امروزه هم بسیار رایج شده و متأسفانه از کنترل پلیس هم خارج گردیده، با جرأتی کاذب، بدون داشتن گواهینامه و توجه به عواقب خطرناک آن، اقدام به رانندگی می‌کنند و از همه بدتر زمانی که دچار سانحه ای می‌شوند توسط افراد دیگر مورد حمایت قرار می‌گیرند و با معرفی کردن آن افراد به عنوان راننده زمینه را برای اشاعه یک فرهنگ نامناسب در سطح جامعه فراهم می‌کنند.

۴- چپلر افراد و رانندگان به جای اینکه با پلیس همکاری لازم را داشته باشند با اطلاع دادن موقعیت پلیس در جاده به خوردروهایی که از روبرو عبورمی نمایند، شرایط را برای بروز تخلفات بیشتر توسط رانندگان متخلف مهیاتر می‌کنند.

۵- عده ای نیز در هنگام رانندگی اگر اشتباهی از سوی راننده ای صورت می‌گیرد، تحمل اشتباهات دیگران را نداشته و درواقع با مورد خطاب قرار دادن وی به وسیله الفاظ رکیک موجبات از دست رفتن تمرکز راننده خطای را فراهم می‌کنند که این حرکت منجر به بروز حوادث خطرناک بعدی می‌شود.

۶- بعضاً مشاهده می‌شود که در برخی افراد با وجود اینکه مرتکب تخلف شده‌اند و خود نیز به تخلفشان واقفند پس از جریمه شدن توسط پلیس و دورگشتن از صحنه جرم، با توهین و بی‌حرمتی نسبت به پلیس در نزد افراد دیگر که اصل ماجرا خبر ندارند و در سطح اجتماع، وجهه ای ظالم و ناعادل از آن‌ها را به نمایش می‌گذارند.

۷- در پاره ای از موارد هم بسیاری افراد کو ته فکر با توجه به حجم بالای تصادفات و مسافت های طولانی جاده ای اقدام به بی ارزش نمایاندن کار پلیس می‌کنند که همین مطلب سبب می‌شود همکاری با پلیس از سوی عموم بسیار کم‌رنگ تر شود.
۸- موارد نادر دیگری هم دیده شده است که در برخی مناطق عده ای به صورت آگاهانه اقدام به صحنه سازی هایی درمورد حوادث رانندگی به منظور اخذ خسارت از شرکت های بیمه می نمایند که نه تنها با این حرکت، کار پلیس را به تمسخر می‌گیرند که بلکه به ترویج یک فرهنگ در آمدزایی نامناسب به واسطه حوادث رانندگی نیز کمک می‌نمایند.
۹- گروهی نیز تاکیدات پلیس را در مورد انجام به موقع عینیه فنی خودروچون ضروری نمی‌دانند و آن‌را در نزد دیگر افراد جامعه کم‌رنگ و بی اهمیت نشان می‌دهند که همین امر باعث می‌شود خیلی از رانندگان با دچار شدن به یک عادت بد، ضرورتی را در این زمینه احساس نکنند.

در پایان یادآوری می‌شود که موارد از این قبیل مانند ردو بدل صحبت های دوطرفه ضمن رانندگی، برخورد نامناسب داشتن با مسافران از سوی راننده در صورت تذکر دادن به وی، آموزش نیافتن مسافران حین اطلاع دادن به پلیس در صورت مشاهده تخلف رانندگان و غیره، بسیار فراوان است و جای هیچ افتخاری هم ندارد، ولی مسئله ای که بیش از هر چیزی می‌تواند اهمیت داشته باشد این موضوع است که برای ارتقای فرهنگ رانندگی و نهادینه کردن آن در میان آحاد مردم بویژه اشخاصی که روزانه با انواع وسایل نقلیه سرو کار دارند، بایستی ابتدا اینگونه نطر تفکرها و نگرش ها نسبت به مسئله قانون و به طو خلاصه این چاله های فرهنگی با مشارکت حداکثری مردم و مسئولین ترمیم شوند تا ضمن فراهم سازی مقدمات اولیه و بستریهای فرهنگی لازم، در گام های بعدی بتوانیم که اقدام به فرآگیر کردن یک فرهنگ رانندگی کارآمد کنیم.

همسران خوب ، همسرانی هستند که سعادت و خوشبختی شریک زندگی را با سعادت و خوشبختی خود عجین و یکی بدانند اما همسران بد سعادت و خوشبختی خود را با سعادت و خوشبختی شریک زندگی یکی نمی‌دانند بلکه جدا می‌دانند و شعارشان این است که هر کسی در قبر خود می‌خوابد. همسران خوب به یکدیگر وفادارند اما همسران بد نسبت به هم بی‌وفایند لذا همسران خوب شعارشان خدا یکی عشق یکی است اما شعار همسران بد این مثل معروف است که : «این نباشد، دیگری، دیگری، دیگری. یا لون می‌سازم بهتیری، می‌گذارم بر خـر رنگین تری»

همسران خوب دنیای بیرون از خانه برایشان دنیای دیگری است به همین جهت سعی می‌کنند ناراحتی‌ها و مشکلات بیرون از خانه‌را به داخل خانه منتقل نکنند اما همسران بد خانه برایشان حکم انباری هایشان دارد به همین علت وقتی زورشان به رئیس و همکار و مشتری و ارباب رجوع و ... نمی‌رسد عقده دلشان را در خانه تخلیه می‌کنند.

همسران خوب اهل سنت گذاردن نیستند گویی تـامین رفاه و آسایش خانواده را وظایف خود می‌دانند اما همسران بد هر کاری خوب را با منت گذاردن ضایع می‌کنند و لذت آن‌را بر کام شریک زندگی تلخ می‌کنند همسران خوب عذرخواهی و عذر پذیرند اما همرا به چنان مغرورند که حتی وقتی هم متوجه اشتباهاتشان می‌شوند یا اشتباهاتشان فاش و بر ملا می‌شود عذرخواهی نمی‌کنند.

همسران خوب یکدیگر احترام سلیقه‌های یکدیگر احترام می‌گذارند اما همسران بد اما همسران بد فقط نظر و سلیقه خود را خوب و قشنگ می‌دانند بنابراین برای نظر و سلیقه همسر خود ارزشی قابل نیستند به همین دلیل معمولاً سلیقه و نظر خود را بر شریک زندگی تحمیل می‌کنند زیرا اقتضاعات سن و جنس همسرشان را در ک نمی‌کنند.

همسران خوب متین و آرام و معقول هستند لذا کارهایشان را با متانت و تدبیر و سنجیده انجام می‌دهند اما همسران بد بلند پرواز و عجول هستند به همین دلیل برای رسیدن به هدفهایشان دچار شتابزدگی و تن دادن به کجی ها و تمایلات نفسانی می‌شوند اینان دوست دارند ره صد ساله را یک شبه ببینانند. مثلاً چون می‌خواهند زود صاحب خانه و اتومبیل و لوازم زندگی و غیره بشوند دست به گرانیفروشی، رشوه خواری، احتکار

، رانت خواری می‌زنند، اینگونه افراد در حرکت رودخانه زندگی در برخورد با سخره ها متلاشی و یا حداقل برای مدتی متوقف می‌شوند و دیگران را هم متوقف می‌کنند و یا از حرکتشان می‌کاهدند.

همسران خوب همسرانی هستند که خوبی هایشان بیش از بدی هایشان باشد و همسران بد همسرانی هستند که بدی هایشان افزون بر خوبی هایشان باشد. گناه یک حسن بقدری عالی و پسندیده است که به تنهایی می‌تواند صد عیب را بپوشاند و گناه یک عیب بقدری بزرگ است که به تنهایی می‌تواند صد حسن را از بین ببرد.

خلاصه همسران خوب همسرانی هستند که مردانش مردو زانش زن باشند و همسران بد همسرانی هستند که مردانش نامردو زانش نازن.

در پایان دوباره، آرزوی می‌کنم که ارائه این مقاله در بهبود روابط همسران مفید و موثر گردد. ان شاءالله

نقد و بررسی توصیفی و محتوایی مجموعه آثار تالیفی عارف آزادپخواه حاج شیخ عبدالرسول نیر شیرازی اعلی الله مقاله: این شماره معرفی نخستین جلد از یادداشت های وی با عنوان

تحفه نیر

سیدممی الدین مسینی (سنجانی) – پژوهشگر فرهنگ و تمدن فارس

قسمت اول

اشاره :

تحفه نیر عنوان نخستین جلد از مجموعه یادداشت ها و خاطرات نویسنده نامی و عارف بزرگ شیرازی مرحوم حاج شیخ عبدالرسول نیر از مجاهدان عصر مشروطه در شیراز و فارس است . این کتاب یکی از منابع مهم شناخت و اطلاع از اوضاع و احوال شیراز و فارس در اواخر عهد قاجاری و اوایل دوران حکومت پهلوی هاست . تحفه نیر در واقع به لحاظ نام بردن از برخی چهره ها و شخصیت های اثر گذار در فرهنگ و مذهب، سیاست و تاریخ یکی دو قرن اخیر و پرداختن به حقایق آن روزگار در خور توجه و اهمیت است. صراحت کلام و اعجاز نوشتاری این روحانی عالی مقام که خوداز مشاهیر عالمان و عارفان زمان خویش بوده درلابه لای متون کتاب موج می زند . قدر مسلم کتاب تحفه نیر یکی ازمنابع اصلی برای شناخت ومعرفی نقش فارس و شیراز در جریانات مشروطه و اخبار مشروطه طلبان است. اثر مذکور که به همت یکی از وابستگان فامیلی مولف و توسط بنیاد فارس شناسی به زیور طبع آراسته گردیده پس از چاپ به سرعت نایاب و مورد استقبال محققان و نویسندگان تاریخ و فرهنگ شیراز و فارس قرار گرفت . آنچه در ادامه می آید نقدی توصیفی و محتوایی است بر کتاب یادشده و توضیحاتی است در خصوص نویسنده ، موضوع و مطالب مندرج در کتاب تحفه نیر . شناسنامه اثر :

تحفه نیر عنوان کتابی منتشر شده از عارف و مجاهد آزادپخواه فارس در عصر مشروطه است. زنده یاد حاج شیخ عبدالرسول نیر شیرازی رضوان الله تعالی علیه است. این اثر تاریخی که به واقع یادداشت های پراکنده و خاطرات مکتوب وی می باشد توسط خلف صالح او یعنی حضرت استاد دکتر محمد یوسف نیری پس از تصحیح و توضیحاتی چند در سال ۱۳۸۳ و در تیراژ هزار نسخه و ۴۴۱ صفحه توسط انتشارات بنیاد فارس شناسی منتشر گردید. این اثر ارزنده و منحصربه فرد که در واقع به ذکر بخش های مهم و ناگفته از تاریخ مشروطیت در فارس پرداخته و از منابع مهم و قابل اعتماد محققان و پژوهشگران فرهنگ و تمدن فارس نیز به شمار می آید برخوردار از فهرست اعلام (نامنامه، مکان نامه و کتابنامه) است. کتاب تحفه نیر با هشت صفحه فهرست و سه صفحه مقدمه شیوا و ذکر زندگی نامه ای جامع از مولف اثر به مردم آزاده و سرفراز شیراز عزیز تقدیم گردیده است.

نکته قابل توجه آنکه این اثر پس از چاپ به سرعت مورد اقبال محققان و استقبال فارس پژوهان قرار گرفته و در جراید کشوری و استانی مورد معرفی نقد و بررسی تحلیلی و محتوایی نویسندگان و صاحبان خرد و اندیشه قرار گرفت. جلد دوم این اثر نیز با عنوان «روزگار پهلوی اول» چاپ و منتشر گردیده که در آینده ای نزدیک آن اثر نیز به حضور شما سروران ارجمند معرفی خواهد شد. قیمت یک جلد از کتاب تحفه نیر